



دکتر نوریه شادالویی
احترام‌السادات عطارد

تربیت بارفتار، نه با گفتار

متأسفانه مقیاس و وزنه دقیقی برای سنجش تربیت موجود نیست. شاید یک ابتکار، نوآوری و خلاقیت که حاصل فکر و زاینده ذهن یک مربی باشد، توانسته باشد در مقطعی فردی را نجات دهد و هدایت کند. در اصل، تربیت در لغت یعنی شکوفاشدن بذری که ما کاشته‌ایم. حالا اینکه آیا ما این بذر را در شرایط مناسب کاشته‌ایم یا نه، به نتیجه‌اش برمی‌گردد. باید درستی و نادرستی آن را از روی بازتاب رفتارهای اجتماعی در جامعه تشخیص داد. مربی باید راه و روش فکر کردن و تأمل کردن را به مربی خود بیاموزد، نه اینکه فکر خود را به او القا کند.

تربیت یعنی اینکه در شرایط سازگار و ناسازگار - به یک نتیجه مطلوب دست یابیم - متأسفانه در بعضی از شرایط و زمینه‌ها ریا و تظاهر اجازه نمی‌دهد تربیت به معنی واقعی اتفاق بیفتد. حتی بسیاری از اصول تربیتی نیز زیر سؤال می‌روند. برای تربیت مناسب، اولین قدم شناخت قابلیت‌هاست. قابلیت‌ها همان اسرار درونی و پنهانی هر فرد هستند که درونش جای گرفته‌اند. جنس تربیت باید از جنس اکتشاف باشد. یکی از چالش‌های جدی این است که ما مدرسه‌محوری نداریم. چون در جامعه بیماری فرهنگی داریم، تربیت گاهی با جبر و زور همراه می‌شود. این نیز خود یکی از آسیب‌های مهم تربیتی است. برای تربیت باید مربی وجود داشته باشد که طبق آن حرکت کنیم. مربی و مربی باید اتحاد درونی و روحی داشته باشند. مربی باید باورهای غلط جامعه را بشناسد و هوش هیجانی را در مربی تقویت کند.



اگر همه فعالیت‌ها براساس رویکردی خوب و مناسب آسیب‌شناسی شوند و مشکلات به‌درستی تشخیص داده شوند، درمان نیز به‌خوبی اتفاق خواهد افتاد. متأسفانه در دشناسی بسیار ضعیف است و در یک کلام، تربیت موضوعی عام نیست، بلکه موضوعی کاملاً تخصصی است و به تربیت نیروی متخصص نیاز دارد. محبت کنیم و تربیت را برای تربیت بخواهیم و لاغیر.

غالباً مشاهده می‌شود که مدیران مدارس بیشتر مدیران آموزشی‌اند نه تربیتی، چرا که ریشه تربیت را در نهاد خانواده می‌دانند و وظیفه خود نمی‌انگارند.

از مهم‌ترین مشکلات و آسیب‌های تربیتی این است که متولیان امر، دغدغه و نگرش تربیتی نداشته باشند؛ نگرش تربیتی در نهادینه کردن ارزش‌های اسلامی در دانش‌آموزان، احیا و تقویت باورها و اعتقادات دینی، ایجاد جو سالم در مدارس برای تعامل سازنده بین دانش‌آموزان و مربیان و معلمان، ایجاد انگیزه و ارتقای آن در نسل هزاره سوم، و ایجاد شرایط رشد، خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان.

متأسفانه گاهی تصور می‌شود همین که مدیران دوره‌های گوناگون تحصیلی مدارس دولتی از نیروهای پرورشی انتخاب شوند، کفایت می‌کند. در حالی که فعالیت تربیتی و رسیدگی به امر تربیت کاری پیچیده و پراکنده است. پراکندگی کار در حوزه پرورشی باعث می‌شود مربی معمولاً یا فرصت تربیت کردن پیدا نکند یا این کار از حوصله او خارج باشد. مربیان فقط تشویق می‌شوند و متریبان همیشه مورد مؤاخذه هستند. روش‌های مربیان و اعمال این روش‌ها به هیچ عنوان سنجیده نمی‌شود. آن‌ها شاخه‌ای مجزا از دیگران هستند، در حالی که باید خود را جزئی از جامعه بدانند و سرنوشت تربیتی جامعه با دستان آن‌ها رقم زده می‌شود.

مسائل تربیتی بسیار درهم تنیده‌اند و باید با نگاه عمیق فرهنگی به آن‌ها نگریست. مربی نباید خود را تافته جدا بافته و برتر از دیگران بداند. تربیت و کار امور تربیتی فقط ارائه گزارش‌های ظاهری نیست. مربیان باید در این عرصه توانمند باشند و واقعا کدام مربی یا مدیر می‌تواند ادعا کند که در مورد کارش آموزش‌های لازم را دیده است؟ چرا که اندوخته‌های ما بیشتر حاصل تجربیات ما هستند. هیچ‌کس نمی‌تواند ادعا کند که قطعاً درست عمل کرده است. چون تربیت در موقعیت‌های مختلف می‌تواند معنای متفاوت داشته باشد.